

متن پرسش

بسمه تعالی با عرض سلام خدمت استاد محترم حقیر در سالهای دور (۱۴ سال پیش) در سن ۱۸ سالگی که برای کنکور شدیداً درس می خواندم، به دلیل ریاضت شدید و کم خوابی و کم خوری و کم گویی و لطف خداوند، متوجه شدم که دنیایی غیر از این دنیا و نجواها و زیبایی های دیگر در این عالم وجود دارد (قال المعصوم (ع): اذا اراد الله سبحانه صلاح عبده الهمة قله الطعام و قله الكلام و قله المنام □ ممکن است در ترتیب سه مورد طعام و کلام و منام تفاوتی باشد). البته نه اینکه کشف و شهودی رخ دهد ولی حالاتی عجیب و سوز و گدازی عجیب در من شکل گرفته بود. از تلاوت و ترتیل قرآن بسیار لذت می بردم، در حدی که اوقات تفریحم با قرآن بود و حتی شب، هنگام خواب قرآن در کنارم بود و تحمل دوری آن برایم سخت بود، همیشه در همه جا قرآن با خودم داشتم. بی دلیل و اختیار گریه می کردم. به عالم پر از رمز و رازی که نمی دانم کجا بود و چی بود راغب بودم. رویاهای صادقه فراوان می دیدم. چندین رویای صادقه هم از معصومین علیهم السلام خدا به من ارزانی داشت (رویای صادقه از پیامبر بدون رویت سیمای نورانیشان- از صدیقه طاهره با رویت سیمای مبارکشان و لمس انگشت ایشان پیشانیم را حین اینکه دست بر سرم می کشید- از امام عصر و سوالی که در حین خواب مکرر در ذهنم مرور میشد این بود که آیا کسی هست که دعا کند ایمان در قلبم ثابت شود، همین سوال هم در خوابی که از حضرت زهرا(س) دیدم نیز در ذهنم تکرار میشد، که ایشان هنگامی که این سوال را در ذهنم مرور می کردم، از خانه اش در حالی که به حقیر لبخند میزد خارج شد، چندین خواب از اصحاب بزرگوار پیامبر و ...). در اوج این حالات و احساسات، به مدت ۲-۳ روز خواب من به بیداری تبدیل شده بود. یعنی به محض خوابیدن وارد عالمی دیگر می شدم و موقع بیداری فقط متوجه میشدم که از عالمی دیگر آمده ام و جزئیات آن را زیاد به خاطر نمی آوردم، البته خوابی دیده نمی شد، فقط حضور در عالمی دیگر به وضوح حس میشد. (تنام عینی و لا ینام قلبی) متوجه نبودم که چه اتفاقی در وجود من افتاده. به چه دلیل من گریه می کنم، این تغییر حالات ناشی از چیست؟ هیچوقت دنبال دلیل این حالات نبودم و شاید اگر هم دنبال دلیل می گشتم، چیزی دستگیرم نمی شد. به همین دلیل هنگامی که دانشگاه قبول شدم، چون آن سه عامل را از دست داده بودم، به راحتی پر و بالم ریخت و تمام آن احساسات را از دست دادم. دیگر از خواندن قرآن لذت نمی بردم، نفاق در وجود من شکل گرفته بود. از خداوند کمک خواستم که به من بفهماند چرا رفتار این مشکلات شدم؟ خوابی دیدم که در آن خواب کسانی بودند که خانه ایمان من را بنا می کردند و در ابتدا دیواره های آن را بسیار دقیق و با رعایت استانداردها بالا می آوردند و من هم بر بام این خانه بودم. ناگهان کارگرها

شروع کردند به عجله کار کردن و بدون رعایت استاندارد، که دیوار خراب شد و من و دیوارها و مصالح محکم به زمین خوردیم و خانه ویران شد. فهمیدم که از نو باید شروع کنم ولی چگونه؟ از آنجا که من از اول پایه ای و اصولی شروع نکرده بودم نمی دانستم چکار باید بکنم و از آنجا که به قول مرحوم حاج آقا ضابط مشکل بزرگ ما خودسازی نیست بلکه "خودخودسازی" است، حقیر هم شروع کردم به خودخودسازی بدون کمترین اطلاعاتی از این وادی. از آن روز تا ۱ سال پیش ۱ قدم جلو می گذاشتم و شاید ۲ قدم عقب بر می گشتم. صبح با شور و نشاطی معنوی از خانه بیرون می آمدم ولی عصر با روحی درهم و آشفته به خانه بر می گشتم. مستاصل و درمانده بودم که چکار کنم و به کی باید مراجعه کنم؟ با افراد زیادی درد و دل کردم، ولی تمام این افراد کسانی نبودند که بتوانند کمکی به من بکنند. از هستی و تقدیر خودم شکایت داشتم و طلبکار بودم از همه هستی. تا اینکه خدا لطف کرد و ۱ سال پیش بصورت پیامکی و ایمیل با یکی از آشنایان جدید که جوان طلبه ای در حوزه علمیه قم است مبادله اطلاعات داشتم. ایشان طی مباحثاتی برخی اشتباهات من را گوشزد کردند و تا حدودی وضع روحی حقیر پس از ارتباط با ایشان در زمینه نماز خواندن و مراقبه بهتر شد. و متوجه شدم که بی دلیل از تقدیر و نظام هستی شاکی ام و تنها خودم مقصر اصلی این جریانات هستم. بعد از آشنایی با ایشان، مطالعه چندین کتاب (عمدتا اخلاقی) را شروع کردم، از قبیل: سیر و سلوک (مرحله یقظه) از آیه الله مظاهری، معراج السعاده، سوخته (شرح حال مرحوم انصاری همدانی)، در محضر لاهوتیان (شرح حال مرحوم شیخ جعفر مجتهدی)، رساله لقاءالله مرحوم ملکی تبریزی، منطق الطیر عطار، لهوف، طریق سیر و سلوک الی الله (عباس سلامتی)، تازیانه سلوک (حسن زاده آملی)، هزارویک تحفه (سید علی اکبر صداقت)، در محضر بهجت جلد اول (محمدحسین رخشاد)، چراغ راه کمال (حسین بدرالدین)، قلب عارف (حامد اسلامجو)، طریق معرفت (سیدعلی طباطبایی)، ورقهای آسمانی (حامد اسلامجو) و کتابهای مختلفی در شرح حال بزرگان و عرفا و به کارگیری برخی از دستورات سلوکی عام این بزرگواران و ... چند ماه اخیر ضمن صحبت با یکی دیگر از دوستان طلبه ایشان، حقیر را به مطالعه کتب استاد شهید مطهری طبق یک سیر مطالعاتی تعریف شده تشویق کردند و در چند ماه اخیر ۶-۷ نمونه از کتب آن بزرگوار را مطالعه کرده ام، از قبیل داستان راستان، حماسه حسینی، سیری در سیره ائمه، ولاءها و ولایتها، سیری در سیره نبوی، پیامبر امی، گفتارهای معنوی و ... در ضمن این دوست بزرگوار، حقیر را به شرکت در جلسات پر خیر و برکت شما (استادطاهرزاده) تشویق کردند و سه جلسه اخیر روزهای شنبه را در جلسه حاضر بوده ام و چندین جلسه از جلسات گذشته را هم شنیدم و صحبتها و مطالب بسیار به مذاقم شیرین آمد و احساس می کنم گمشده خودم را حالا یافته ام. حقیر ترجیح می دهم که زمانی را که قرار شده به مطالعات کتب شهید مطهری اختصاص دهم، به مطالعه کتب و شنیدن سخنرانی های استاد طاهر زاده اختصاص دهم. در ضمن، حقیر دارای مدرک کارشناسی ارشد هستم و در حال حاضر در دو شرکت بصورت پاره وقت مشغول به کارم و روزی ۳ ساعت را می توانم در خدمت دین و مطالعات دینی ام باشم. حال سوال من از استاد این است: استاد عزیز با این

اوضاع و احوال من چکار کنم؟ شما نسخه زندگی مرا لطفاً بیچید و مرا از سر درگمی ۱۳ ساله و سیر در وادی هیروت نجات دهید؟ من نگران ابدیتم هستم و نمی‌خواهم فرصت را از دست بدهم؟ ۳۲ سال تقریباً از عمرم گذشته است و حداکثر ۳۰-۴۰ سال دیگر در این دنیا نیستم! می‌خواهم به همان صفای باطن گذشته و بلکه بسیار بیشتر از گذشته برگردم؟ به من بگو چکار کنم؟ چگونه می‌توانم به مطالعات دینی ام برسم؟ آیا رسماً باید طلبه حوزه علمیه باشم؟ آیا با آثار شهید مطهری فعلاً همراه باشم؟ آیا آثار شما رو مطالعه کنم و در خدمت شما و جلسات شما باشم؟ یا اینکه همزمان هم آثار شهید مطهری و هم آثار شما را مطالعه کنم؟ یا نه کار دیگری باید انجام داد؟ لطفاً منو راهنمایی کنید. می‌خواهم به انتهای کمال برسم، بارها سمت قرآن کریم رفته ام ولی مشکل اینجاست که قرآن استاد می‌خواهد، قرآن حاوی دستورات اخلاقی از دوران ابتدایی تکامل تا مرحله انتهایی کمال را دارا می‌باشد، من بدون استاد و بدون راهنما از کجا بفهمم مناسبترین دستور برای وضع فعلی من کدام است؟ و اصولاً راه کار کردن با قرآن چیست؟ چگونه باید به قرآن عمل کرد؟ ممنون میشم کلاً منو راهنمایی کنید. التماس دعا □ در راه حق و قرآن موفق باشید. □

متن پاسخ

باسمه تعالی، سلام علیکم: هر اندازه با معارف اسلامی بیشتر آشنا شوید زمینه‌ی ارتباط با قرآن در شما بیشتر فراهم می‌شود. سیر مطالعاتی که بر روی سایت هست برای مقدمه‌ی کار خوب است. حضور در جلسات قرآن برکت‌های خوبی در زندگی وارد می‌کند در ضمن همواره سعی بفرمایید با کتاب‌های شهید مطهری مأنوس باشید. موفق باشید.